

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و یکم

بهار ۱۳۹۹

بررسی گزارش‌های فرمان پیامبر ﷺ برای کشتار سگ‌های مدینه

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۹

تاریخ تأیید: ۹۹/۱/۲۰

۱ مصطفی معلمی

۲ محمدعلی افزلی

۳ رحمت الله مرزبند

بر پایه برخی گزارش‌ها در تفاسیر و منابع روایی، پیامبر اکرم ﷺ دست کم یک بار، دستور کشتار تمام سگ‌های مدینه را صادر کرده است. هم‌چون بسیاری از دیگر رویدادهای منسوب به پیامبر ﷺ، واکنش مسلمانان به این گزارش متفاوت بوده است و مجموعه‌ای از انکار آن به دلیل ناسازگاری با حق حیات حیوانات و نهی از آزار رساندن به آنها تا صدور دستور قتل همه سگ‌ها به بهانه پیروی از سنت پیامبر ﷺ را تشکیل می‌دهد.

پژوهش پیش رو، با رویکردی تاریخی و با بهره‌جستن از منابع دست اول حدیثی، تفسیری و تاریخی به ارزیابی درون‌متنی این گزارش‌ها پرداخته است.

۱. دکتری تخصصی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران: (moalleme@gmail.com).

۲. دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران: (afzali2006@yahoo.com).

۳. دکتری تخصصی فلسفه ادیان، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران: (marzband.rahmatollah@gmail.com).

این ارزیابی نشان می‌دهد، دستور کشتار تمام سگ‌های مدینه از سوی پیامبر ﷺ، افزون بر ناسازگاری با مفاد نقل معتبر؛ یعنی قرآن و احادیث قابل اعتماد با گزاره‌های درست تاریخی هم ناهم‌خوانی دارد و از این رو نمی‌توان آن را پذیرفت.

کلیدواژگان: رسول خدا ﷺ، مدینه، بهداشت محیط زیست، حقوق حیوان،

کشتن سگ.

۱. مقدمه

سگ حیوانی است که از دیر باز در زندگی بشر حضور داشته است و محافظ بسیار مطیع و وفادار انسان بوده است. در ادبیات دینی ادیان مختلف، از نقش سگ در زندگی انسان مطالب فراوان می‌توان یافت. این حیوان مانند سایر حیوانات در چرخه حیات به اجازه و اراده خداوند آفریده شده است و رابطه‌ای کهن با بشر و زندگی وی دارد. گله بانی، حفاظت از اموال و دارایی و کمک در شکار حیوانات، جهت امرار معاش از کارهایی است که سگ برای انسان انجام می‌دهد.

بنا بر نقلی، حضرت نوح علیه السلام نخستین بار، سگ را برای حفاظت از اموال به کار گرفت.^۱ هم‌چنین، می‌گویند که طهمورث^۲ از پادشاهان پیشدادی، نخستین کسی بود که سگ‌ها را برای گله بانی و شکار به خدمت گرفت.^۳ در قرآن مجید بارها و به گونه‌های مختلف از سگ یاد شده است، مانند داستان اصحاب کهف^۴ و آن‌جا که خوردن شکار صید

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۵۲.

۲. سومین پادشاه از سلسله پیشدادیان که متعلق به دوره اساطیری هستند.

۳. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۱، ص ۱۱۷؛ برخی نیز شداد بن عاد را به جای طهمورث می‌گویند (مسعودی، اخبارالزمان، ص ۱۹۶).

۴. الکهف: ۱۸، ۲۲.

شده به دست گونه آموزش دیده آن، حلال شمرده می‌شود^۱ که این امر نشان دهنده توجه خالق بشر به حضور جدی این حیوان در زندگی انسان است.

بر اساس سوره کهف، سگی با اصحاب کهف بوده است. آن سگ در آستانه ورودی غار، بازوها را بر زمین گسترانیده بود؛ یعنی سگ در کنارشان نبود، بلکه با فاصله از آنها و در مکان دیگر قرار داشت.^۲ در روایات هم آمده است که اگر سگ نگه می‌دارید، میان شما و سگ فاصله باشد و در یک اتاق نباشید.^۳

بنابراین، بیرون انداختن سگ و دور نگاه داشتن این حیوان از محل زیست انسان، مطابق با دیدگاه قرآن کریم است، ولی وجوب و یا جواز کشتن آن را نمی‌توان از قرآن دریافت. از سوی دیگر در فقه اسلامی این حیوان، نجس شمرده می‌شود و درباره او و آنچه که به بدن و یا آب دهانش آلوده می‌شود، احکام خاصی وجود دارد.

۲. بیان مسئله

در تفاسیر آیه چهارم سوره مائده و کتاب‌های روایی و به ندرت در کتاب‌های تاریخی مسلمانان به ویژه اهل سنت درباره توقف و امتناع فرشته وحی از ورود به خانه پیامبر ﷺ سخن به میان آمده است. در برخی روایات که به این توقف اشاره دارد، فرمان رسول خدا ﷺ درباره کشتن تمامی سگ‌های مدینه مطرح شده است.^۴

۱. المائدة: ۴.

۲. به دیگر سخن، غار دو بخش داشت؛ یکی، فضای گسترده درون غار و دیگری، ورودی غار. اصحاب کهف در آن منطقه گسترده آرمیدند و سگ آنها در ورودی غار و میان ایشان فاصله بود. یکی فجوه و دیگری وصید که دو مکان را افاده می‌کند. سگ همراه آنان بود و نه هم نشین. و این همان دستور شریعت است که با سگ هم نشینی نکنید.

۳. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۵۲.

۴. شافعی، المسند، ص ۱۴۲؛ اسحاق بن راهویه، المسند، ج ۲، ص ۴۹۶؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۲، ص ۱۴۲.

صرف نظر از اختلاف در جزئیات ماجرا، شکلی از رخداد که در بیشتر روایات و تفاسیر بیان شده است، این است که زمانی، جناب جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام از آمدن به خانه رسول خدا ﷺ برای ابلاغ وحی، امتناع نمود. رسول خدا ﷺ با نگرانی و اندوه برخاسته از توقف نزول وحی، دلیل امتناع را جويا شد. جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام وجود سگی در خانه رسول خدا ﷺ را دلیل نیامدن، بیان کرد و گفت:

فرشتگان به خانه‌ای که سگ در آن باشد، وارد نمی‌شوند.

پیامبر ﷺ دستور به جست‌وجوی خانه داد تا آن که توله سگی یافتند. سگ را بیرون انداختند و آن گاه فرشته وحی به خانه ایشان در آمد. تعدادی از گزارش‌ها اضافه کرده‌اند که بعد از این ماجرا، پیامبر ﷺ دستور داد تمامی سگ‌های مدینه را به قتل رسانند. این دستور چنان جدی پی‌گیری شد که درخواست ابن امّ مکتوم (د. ۵۱۶ ه.ق) نابینا برای نکشتن سگش نادیده گرفته شد و پس از چند روز، سگ وی کشته شد.^۱

دستور پیامبر ﷺ در حال اجرا بود که عده‌ای از اهالی مدینه، نزد ایشان رفتند و از کشته شدن همه سگ‌ها، حتی سگ گله و سگ نگهبان شکایت نمودند و پرسیدند:

با این وصف، کدام سگ را می‌توان زنده نگاه داشت؟

پیامبر ﷺ ساکت ماند و پاسخی نداد تا آن که وحی آمد و فرمود:

ج ۶، ص ۳۳۰؛ دارمی، السنن، ج ۲، ص ۹۰؛ بخاری، الصحيح، ج ۴، ص ۱۰۱؛ مسلم بن حجاج، الصحيح، ج ۶، ص ۱۵۵-۶؛ برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۵؛ ابوداود، السنن، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ابن قتیبة، تأویل مختلف الحدیث، ص ۸-۱۲۵؛ ترمذی، السنن، ج ۴، ص ۲۰۱؛ نسایی، السنن، ج ۷، ص ۱۸۶؛ موصلی، المسند، ج ۱۳، ص ۹-۲۸؛ ابن خزیمه، الصحيح، ج ۱، ص ۱-۱۵۰؛ احمد بن محمد بن سلمه، شرح معانی الآثار، ج ۴، ص ۵۷؛ ابن حبان، الصحيح، ج ۱۲، ص ۶-۴۶۵؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۱-۴۳۰؛ ابو نعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۳۵۱؛ بیهقی، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ابن عبدالبر، التمهید، ج ۱۴، ص ۲۲۴ (منابع به ترتیب تاریخی بیان شده‌اند).

۱. احمد بن حنبل، المسند، ج ۳، ص ۳۲۶؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۲۰۸.

سگ تعلیم داده برای شکار را می‌توانید نگاه دارید.^۱

این ماجرا در بیشتر منابع تفسیری و روایی با اختلاف کمی بیان شده است. منابع تفسیری و روایی در سده‌های مختلف هجری، این ماجرا را آورده‌اند. برای همین، شأن نزول دیگر آیه ۴، سوره مائده که جواز نگهداری کلب مُعَلَّم؛ یعنی سگ آموزش دیده از آن استنباط می‌شود، کمتر مورد استناد مفسران و راویان قرار گرفته است.^۲

منابع شیعی در این زمینه به روایات اهل سنت استناد می‌کنند و دستور کشتار سگ‌ها از طریق روایات شیعه به طور مستقل نقل نشده است. ناگفته نماند که خبر امتناع فرشتگان به ویژه جبرئیل از ورود به خانه‌ای که در آن سگ وجود دارد به طور مستقل از امامان شیعه علیهم‌السلام نقل شده است، اما دنباله‌ای که شامل صدور فرمان قتل سگ‌ها باشد در این روایات وجود ندارد.^۳

بنابراین، پرسش اصلی این است که آیا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمان به کشتار تمام سگ‌های مدینه داده بود؟

۳. ضرورت پژوهش

سگ کشی و بحث درباره نجاست آن، امروزه در مجامع علمی و فضا‌های عمومی حقیقی و مجازی، مطرح است. ممکن است گمان شود که نجاست سگ؛ یعنی پلیدی ذاتی آن و بر این اساس، عده‌ای خود را در آزار و حتی قتل آن مجاز بیندارند. هم‌چنین، برخی با تکیه بر مسئله حقوق حیوانات بر اسلام و شریعت می‌تازند و برخی با اشاره به این نکته که به نجاست سگ در قرآن تصریح نشده است، نتیجه می‌گیرند که این نجاست در احکام دینی اعتبار ندارد.^۴

۱. طبری، جامع البیان، ج ۶، ص ۱۱۹؛ شیخ طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۴۳۹ (شیخ طوسی، روایت سلمی ام رافع، همسر ابی رافع، را نقل می‌کند که نشان می‌دهد در این ماجرا از روایات اهل سنت بهره برده است).

۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ج ۱، ص ۲۸۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۷۷.

۳. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۹۳؛ شیخ صدوق، خصال، ص ۱۳۸؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۷۷.

۴. یکی از استادان دانشگاه تهران و عضو انجمن حمایت از حیوانات ایران از راه‌های مختلف پی‌گیری

مسئله هم‌زیستی با سگ در میان مسلمانان از سده‌های نخستین تا به امروز، گاهی سبب پدید آمدن نزاع‌های علمی و غیرعلمی شده است.^۱ اخبار مربوط به کشتن سگ‌ها در کنار روایاتی که در آنها برای کشتن وزغ^۲، مار^۳، عنکبوت^۴، زنبور^۵ و عقرب^۶ ثواب بیان شده است، زمینه بحث‌های حقوق حیوانات را پدید آورده است.

مسئله نجاست و عدم نجاست سگ شده است و اظهار داشته است، چون در قرآن از نجاست سگ سخن به میان نیامده است، پس این حیوان نجس نیست و یا مدعی شده است که در سیره رسول خدا ﷺ مطلبی درباره نجاست سگ وجود ندارد و حتی به پرسش‌گرانی که از ایشان پرسیده‌اند، بالاخره سگ نجس است یا خیر؟ گفته است که به عقل خویش رجوع کنید. ر.ک:

<http://hakimemehr.ir/fa/print/1965>;

<http://drlotfi.blogfa.com/post.1487.aspx>;

<https://www.balatarin.com/permlink/2011/4/23/2471615>;

<https://www.instagram.com/p/7eFluvJOV5>;

<http://hakimemehr.ir/fa/print/1965>.

۱. مانند امتناع یک راوی از نقل روایت از یک محدث دیگر به دلیل آن که محدث در خانه خویش سگ زینتی نگاه‌داری می‌کرد (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۱۱۶) و یا سؤال از حسن بصری درباره نگاه‌داری سگ در منزل (احمد بن حنبل، العلیل، ج ۲، ص ۱۱۱) و یا مطالب مفصل جاحظ در کتاب الحيوان درباره نگاه‌داری سگ و رقابت خروس بازان و سگ بازان در تحسین و ترویج کار خود (جاحظ، کتاب الحيوان، ج ۱، ص ۱۲۲-۳۶۵).

۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، الصحيح، ج ۷، ص ۴۲؛ یکی از منابع اهل سنت به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد که فرمود: هرکس وزغی را بکشد، گویا کافری را کشته است (سمعانی، تفسیر سماعی، ج ۳، ص ۳۹۱)؛ در منابع شیعی برای قتل وزغ ثوابی بیان نشده است اما گفته شده است که هرکس وزغی را بکشد، غسل بر او واجب می‌شود و در تعلیل وجوب غسل، علما گفته‌اند چون از گناه پاک می‌شود از این رو غسل لازم می‌آید (شیخ صدوق، الهدایة، ص ۹۱).

۳. «من قتل حية فقد قتل كافرا؛ هر که ماری را بکشد، همانا کافری را کشته است» این جمله به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۷۱)؛ «من قتل حية فله سبع حسنات؛ هر که ماری بکشد پس هفت حسنه برای او خواهد بود» این جمله نیز به آن حضرت ﷺ نسبت داده شده است (احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۴۲۰).

۴. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۴۵.

۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۸.

۶. اقتلوا العقرب و الحية علی کل حال (صنعانی، المصنف، ج ۱، ص ۴۴۹).

این روایات، با روح کلی حاکم بر قرآن و سیره نبوی ﷺ مبنی بر ترخّم به هر صاحب روح و زندگی، هم‌خوانی ندارد.^۱ از این رو، پرداختن به چنین موضوعی می‌تواند موضع واقعی صاحب شریعت را نسبت به موارد ناسازگار روشن نماید.

۴. رهیافت پژوهش

رهیافت این پژوهش، بررسی محتوایی روایات و گزارش‌های تاریخی و نقد درونی آنها است. در این رهیافت، متن گزارش‌ها و نسبت آنها با شخصیت‌های اصلی رخداد بررسی می‌شود. در این رهیافت می‌توان با کمک گرفتن از دیگر ملاک‌ها، مانند هم‌خوانی خبر با دیگر گزاره‌های اثبات شده تاریخی، سازگاری و ناسازگاری با عقل، عدم مخالفت با قرآن و یا ناسازگاری با عصمت انبیا از دیدگاه شیعه امامیه، اصالت و درستی روایات و گزارش‌ها در این موضوع را به دست آورد.

۵. پیشینه پژوهش

شروخی که در سده‌های میانه و متأخر بر صحاح ششگانه نوشته شده‌اند درباره دستور پیامبر ﷺ برای کشتار سگ‌های مدینه مطالبی آورده‌اند، اما در پژوهش‌های معاصر، نوشته مستقلی در این موضوع یافت نمی‌شود. در برخی پایگاه‌های فضای مجازی به این موضوع در قالب پرسش و پاسخ پرداخته شده است، ولی رویکرد پاسخ دهندگان، تعبد به محتوای حدیث است.^۲

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۲۱۶؛ ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۱۰۶۳؛ برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۳۳؛ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸.

2. <http://www.bayanelislam.net/Suspicion.aspx?id=03-03-0008>;

<http://www.ebnmaryam.com/vb/t209532.html>;

<https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa22952>

هم‌چنین در برخی از موارد، فقط به ضعیف بودن یکی از روایت‌های مورد بحث این پژوهش اشاره شده است.^۱ در پژوهش پیش رو تلاش می‌شود افزون بر بررسی محتوایی، به رابطه اوضاع زمانه با گسترش روایات مربوط به کشتار سگ‌های مدینه توجه شود.

۶. تحلیل محتوایی روایات

ماجرایی که در آن، دستور قتل سگ‌های مدینه از سوی پیامبر ﷺ صادر شده است، سه رکن اصلی دارد که به غیر از رکن سوم، دو رکن اول و دوم در همه گزارش‌ها دیده می‌شود.

رکن نخست: تأخیر و درنگ فرشته وحی، جبرئیل علیه السلام در فرود آوردن آیات الهی و امتناع از ورود به خانه پیامبر ﷺ؛ رکن دوم: پیدا شدن توله سگی در یکی از خانه‌های آن حضرت صلی الله علیه و آله؛ رکن سوم: دستور ایشان به کشتن تمام سگ‌های مدینه.

دو رکن نخست در تمامی گزارش‌های متنوعی که به ظاهر، همگی از یک رخداد خبر می‌دهند و یک بار و نه بیشتر اتفاق افتاده است، تکرار می‌شود. اجزای دیگری وجود دارد که هر گزارش، آن را به گونه‌ای بیان می‌کند. این اجزا بر اساس مطالعه و جست‌وجویی که در روایات مرتبط، انجام شده است به ترتیب زیر ارایه می‌گردد.

با توجه به جست‌وجویی که در منابع حدیث و تفسیر انجام شد، یافته‌ها نشان می‌دهند که شش نفر، شامل امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام (د. ۴۱ ه.ق)، اسامه بن زید (د. ۵۲ ه.ق)، میمونه بنت حارث (د. ۵۱ یا ۶۱ ه.ق) همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، عایشه بنت ابی بکر (د. ۵۸ ه.ق)، خوله بنت عاصم و ابو هریره الدوسی (د. ۵۹ ه.ق)^۲ به طور مستقل درباره تأخیر نزول جبرئیل علیه السلام و نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داده‌اند.

1. <https://www.welayatnet.com/fa/news/128548>.

۲. ترمذی، السنن، ج ۴، ص ۲۰۱.

درباره مکان وقوع این رخداد، سه مکان مشخص و دو مکان مبهم در روایات بیان شده است که خانه عایشه^۱، خانه ام سلمه (د. ۶۲ ه.ق)^۲، خانه میمونه بنت حارث^۳، یکی از خانه‌های پیامبر ﷺ^۴ و زیر یکی از تخت‌ها^۵ معرفی می‌شوند. در بیشتر روایات روشن نمی‌شود که سگ از کجا آمده است؟ هم‌چنین در روایتی در این باره آمده است:

رسول خدا ﷺ از عایشه پرسید: سگ در خانه توجه می‌کند؟ و عایشه

اظهار بی اطلاعی کرد.^۶

هم‌چنین، روایاتی اشاره می‌کنند که توله سگ از آن حسنین علیهما السلام و یا یکی از آن دو بوده است.^۷ در مورد سرنوشت این سگ می‌گویند که بیرون انداخته شد^۸ و روایاتی دلالت بر کشتن توله سگ دارند.^۹ برخی روایات می‌گویند که توله سگ مرده بود و تنها لاشه آن را بیرون انداختند.^{۱۰}

۱. اسحاق بن راهویه، المسند، ج ۲، ص ۴۹۶؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۱۴۲/۳؛ موصلی، المسند، ج ۸، ص ۷، ۸.
۲. موصلی، المسند، ج ۱، ص ۴۴۵.
۳. ابن خزيمة، الصحيح، ج ۱، ص ۱۵۰.
۴. احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۲۰۳؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱، ص ۳۲۶.
۵. الضحاک، الأحاد و المثانی، ج ۵، ص ۴۳۵؛ نسائی، السنن الكبرى، ج ۳، ص ۱۴۸.
۶. مسلم بن حجاج نیشابوری، الصحيح، ج ۶، ص ۱۵۶.
۷. احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۸۵؛ موصلی، المسند، ج ۱۳، ص ۲۹؛ رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۱، ص ۲۱۱؛ تنها یک منبع شیعی خبری مشابه دارد (برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۵).
۸. احمد بن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۳۳۰؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، الصحيح، ج ۶، ص ۱۱۵۶؛ ابوداود، السنن، ج ۲، ص ۲۸۰.
۹. احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۲۰۳ (روایت اسامة بن زید).
۱۰. الضحاک، الأحاد و المثانی، ج ۶، ص ۲۱۱؛ واحدی نیشابوری، اسباب نزول الآيات، ص ۲۰۳.

در این روایات ابو رافع (د. پس از ۴۰ ه.ق) مولی رسول الله ﷺ^۱، امیرالمؤمنین حضرت علی (د. ۴۱ ه.ق)^۲ و خالد بن ولید (د. ۲۱ یا ۲۲ ه.ق)^۳ به عنوان مأمور قتل سگ‌ها معرفی می‌شوند. بیشتر روایات نشان دهنده عام بودن دستور هستند، اما در برخی روایات آمده است که، سگ نگهبان باغ بزرگ استثنا شد^۴ و برخی روایات، عکس آن را آورده‌اند؛ یعنی سگ نگهبان باغ کوچک را زنده نگه داشتند و سگ باغ بزرگ کشته شد.^۵

این روایات، دو آیه را به حادته ارتباط می‌دهند.^۶ بنا بر برخی از روایات، پس از بیرون راندن توله سگ از منزل پیامبر ﷺ، فرشته وحی آیه سوم سوره ضحی را برای رفع نگرانی و اندوه ایشان نازل نمود^۷ و برخی دیگر از روایات به این نکته اشاره می‌کنند که پس از دستور قتل سگ‌ها و پس از سؤال مردم از رسول خدا ﷺ که چه سگ‌هایی را می‌توان نگاه داشت؟ فرشته وحی، آیه چهارم سوره مائده را نازل کرد.^۸ درباره شأن نزول آیه چهارم سوره مائده آمده است:

۱. احمد بن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۹؛ شیخ طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۴۳۹.

۲. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۴.

۳. بن عدی، الکامل، ج ۲، ص ۲۱۰. جالب آن که خالد بن ولید (د. ۲۱ ه.ق) سال هشتم هجری قبل از فتح مکه اسلام آورد و ماجرای قتل سگ‌های مدینه بنا به گفته علما در سالهای نخست هجرت احتمالاً پنجم و یا ششم روی داده است؛ (برای اسلام آوردن خالد (ر.ک: طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲، ص ۳۱۴)؛ برای وقوع دستور سگ کشی در اول هجرت (ر.ک: ابن حزم، المحلی، ج ۱، ص ۱۱۵).

۴. مسلم بن حجاج نیشابوری، الصحيح، ج ۶، ص ۱۵۶.

۵. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۴۳۱.

۶. ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى (الضحی: ۳)؛ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (المائدة: ۴).

۷. ضحاک، الآحاد و المثنی، ج ۶، ص ۲۱۱؛ الطبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۴، ص ۲۴۹.

۸. احمد بن محمد بن سلمه، شرح معانی الآثار، ج ۴، ص ۵۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۷۷.

فردی موسوم به زید الخلیل (د. ۱۰ ه.ق) از یمن^۱، نزد آن حضرت آمد و گفت: در میان مردم ما کسانی هستند که سگ‌های شکاری دارند و با آن گاو وحشی، گور و آهوان شکار می‌کنند. گاه شکارچیان موفق به ذبح حیوان می‌شوند و گاه حیوان، قبل از رسیدن شکارچی، به دست سگ‌ها کشته می‌شود، وانگهی خداوند مردار را حرام کرده است، ما چه کنیم؟^۲

در این هنگام، آیه نازل شد و خوردن حیوانی را که به دست سگ شکاری آموزش دیده، شکار شده باشد، حلال دانست، چه موفق به ذبح بشوند و چه نشوند. البته به شرط آن که هنگام فرستادن سگ، نام خدا را بر زبان جاری کرده باشند. بنابراین، این آیه و شأن نزول آن ارتباطی با قتل سگ‌ها ندارد.^۳

۶. بررسی محتوایی روایات

یکی از موضوعاتی که در مباحث روایی موجب شک و تردید در محتوای روایات می‌گردد، اضطراب در متن^۴ است. اختلاف در نقل حادثه و رخدادی واحد، یکی از مصادیق اضطراب

۱. پیامبر ﷺ لقب این مرد را به زید الخیر تغییر داد (ابن قتیبة، المعارف، ص ۳۳۳).

۲. ثعلبی، تفسیر ثعلبی، ج ۴، ص ۱۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۷۷.

۳. این شأن نزول از سعید بن جبیر (د. ۹۵ ه.ق) نقل شده است و دور نیست که رقابت اعراب شمالی و جنوبی موجب شده باشد که عموم اعراب شمالی، این شأن نزول را نادیده گرفته‌اند و مجموعه‌ای از مطالب را در قالب شأن نزول بافته و به احادیث وارد نموده‌اند تا نام اعراب یمنی را در ارتباط با نزول آیاتی از قرآن کریم محو نمایند. بغوی (د. ۵۱۶ ه.ق) در تفسیرش، قول سعید بن جبیر (د. ۹۵ ه.ق) را مقدم می‌داند و آن را صحیح‌تر می‌خواند (بغوی، تفسیر البغوی، ج ۲، ص ۱۲).

۴. اضطراب حدیث، گاه به اسناد و گاه به متن آن باز می‌گردد. اختلاف در شخص راوی و یا اختلاف در متن که سبب تعدد سند و یا دلالت متن می‌گردد و راهی هم برای ترجیح یک گزارش بر دیگری وجود ندارد، اضطراب خواننده می‌شود. برای مثال، راوی یک حدیث را گاه از پدرش، گاه از جدش با واسطه پدر و گاه بی‌واسطه و گاه از شخص دیگری نقل می‌کند. هرگاه گروهی یک حدیث را به گونه‌ای و گروهی به گونه دیگر نقل کنند که محتوای حدیث هر دو گروه، قابل جمع نباشد، آن گاه می‌گویند که متن حدیث مضطرب است (شهرزوری، مقدمه ابن الصلاح، ص ۷۳؛ حسن بن زین الدین، منتقى الجمان، ج ۱، ص ۸).

در متن حدیث به شمار می‌رود. ماجرای دستور قتل سگ‌های مدینه بر اساس این گزارش‌ها، رخدادی بوده است که تنها یک بار اتفاق افتاده است، اما جزئیات گزارش‌ها با یکدیگر ناهم‌گونی دارند و به آسانی نمی‌توان همه را به عنوان اجزای یک حادثه پذیرفت. علامه طباطبائی (د. ۱۴۰۲ ه.ق) با اشاره به روایتی که ابو رافع ناقل آن است، چند ایراد به این ماجرا می‌گیرد:

الف. کیفیت نزول جبرئیل به سبکی که در روایت آمده غریب است؛ ب. روایت اضطراب دارد از این منظر که جبرئیل وارد نشد چون در یکی از خانه‌ها توله سگ بود^۱ و ج. ماجرا با ظاهر آیه چهارم سوره مائده سازگار نیست.

ایشان در نهایت در این باره می‌نویسد:

بنابرین روایت یاد شده بیشتر برساخته می‌نماید تا درست و واقعی.^۲

امام خمینی (د. ۱۴۰۹ ه.ق) دستور قتل همه سگ‌ها را بعید می‌شمارد و پذیرش آن را ناممکن می‌داند.^۳ هم‌چنین، علمای اهل سنت درباره قتل سگ‌های مدینه، نقدهای دقیق و مفصّلی ارائه کرده‌اند که در آنها بسیاری از روایات ضعیف شمرده می‌شوند و در نتیجه از اعتبار ساقط می‌گردند.

۱. به نظر می‌رسد، علامه طباطبائی معتقد بود، وجود سگ در یکی از خانه‌ها و نه آن خانه‌ای که پیامبر ﷺ در آن حضور داشته است، چگونه می‌توانست مانع جبرئیل گردد. اضطراب در این جا از این نکته ناشی می‌شود که جبرئیل می‌گوید: ما به خانه‌ای که در آن سگ باشد وارد نمی‌شویم، اما همین روایت به صراحت می‌گوید که سگی در یکی از خانه‌های پیامبر ﷺ بود و نه همان خانه‌ای که ایشان بالفعل حضور داشتند.

۲. طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۲۱۰، ۲۰۹. ترجمه «روایت بسیار جعلی می‌نماید».

۳. امام خمینی، المکاسب المحرمة، ج ۱، ص ۱۷۰، «فان امر النبي صلى الله عليه وآله بقتل الكلاب الغير المودية: بعید جدا لا يمكن تصديقه؛ همانا دستور پیامبر صلی الله علیه وآله به کشتن سگ‌های بی‌آزار بسیار بعید است و نمی‌توان خبر را تصدیق کرد».

ابن عبدالبر (د. ۴۶۳ ه.ق) در مسئله کشتار سگ، چهار دیدگاه مطرح می‌کند. دیدگاه نخست، وجوب کشتار همه سگ‌ها، مگر آن سگ‌هایی که نگهداری ایشان مباح شمرده شده است. دیدگاه دوم، منسوخ شدن دستور پیامبر ﷺ در مورد کشتار سگ‌ها. دیدگاه سوم، عدم جواز کشتار هیچ سگی، مگر سگ خالص سیاه. دیدگاه چهارم، عدم جواز کشتن هیچ سگی، مگر سگ گاز گیر.

او دیدگاه اخیر را پذیرفته است که این امر نشان می‌دهد به عقیده او، دستور قتل سگ‌ها مشکوک الصدور است.^۱ هم‌چنین، هیشمی (د. ۸۰۷ ه.ق) بیشتر روایات این ماجرا را ضعیف و بی‌اعتبار می‌شمارد.^۲

افزون بر ناهم‌گونی فراوانی که در گزارش‌های این ماجرا وجود دارد، باید به نکات دیگری توجه کرد. در یکی از گزارش‌ها، پیامبر ﷺ پس از کشته شدن سگ‌های مدینه می‌فرماید:
الآن استرحت.^۳

این در حالی است که در گزارش دیگری آمده است که پیامبر ﷺ از این که شب را به صبح رساند، اما هنوز اموالی در بیت المال باشد، مضطرب بود. از این رو، شبانه آن را تقسیم کرد و خزانه را خالی نمود و سپس فرمود:
الآن استرحت.^۴

مقایسه این دو عبارت در دو موقعیت متفاوت، این احتمال را پدید می‌آورد که ممکن است مورد دوم، اصالت داشته است و افرادی، آن را درباره قتل سگ‌ها به کار برده‌اند.^۵ در یکی از گزارش‌ها درباره قتل سگ‌ها آمده است:

۱. ابن عبدالبر، التمهید، ج ۱۴، ص ۲۱۷، ۲۲۷.
۲. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۴۲، ۴۵.
۳. ابن ابی جمهور احسانی، عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۶۶۰؛ در گزارشی مشابه به جای «الآن استرحت؛ اکنون آسوده خاطر شدم»، جمله «الليلة ینفعنی النوم؛ امشب خواب سودمندی خواهم داشت» آمده است (بن عدی، الکامل، ج ۲، ص ۲۱۰).
۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۵۱، ۵۲.
۵. چنین امری در میراث روایی مسلمانان سابقه داشته است. نمونه آن که شیعیان روایت می‌کنند که...

پیامبر ﷺ دستور به قتل سگ‌ها داد، اما سپس گفت: آنان را با سگ‌ها

چکار؟^۱

با توجه به این که دستور اولیه این کار از جانب خود آن حضرت بوده است، آن گاه گفتن این جمله چه توجیهی دارد؟ به دیگر سخن، این خود رسول خدا ﷺ بود که دستور کشتن سگ‌های مدینه را داد. بنابراین، چگونه می‌توانست بگوید که مردم را با سگ‌ها چه کار؟^۲

در روایتی دیگر آمده است که پیامبر ﷺ فرمود:

اگر سگ‌ها امتی از امت‌ها نبودند، دستور به قتل آنها می‌دادم اما سگ

سیاهی که خالص سیاه باشد را بکشید.^۳

روایت دیگری با همین لفظ و معنا بیان شده است که برای سگ سیاه خالص، صفت دیگری بیان می‌کند. سگ سیاهی که دو نقطه بالای چشمش داشته باشد. در حالی که بر اساس همین روایات، پیامبر ﷺ دستور قتل سگ‌ها را داده است. بنابراین، کدام دستور ایشان پذیرفتنی است؟

به دیگر سخن، چگونه می‌توان پذیرفت پیامبر ﷺ هم به قتل سگ‌ها دستور داده است و هم دستور نداده است؟ روشن‌تر این که آیا رسول خدا ﷺ آن هنگام که دستور به قتل سگ‌های مدینه می‌داد، آگاه نبود سگ‌ها امتی از امت‌ها هستند؟

پیامبر ﷺ حسنین را سید شهاب اهل الجنة خوانده است (حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۱۱) و اهل سنت نقل می‌کنند که آن حضرت ﷺ ابوبکر و عمر را سیداهل کهول اهل الجنة خوانده است (احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۸۰). بنابراین، احتمال این امر، بعید و غریب نخواهد بود.

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری، الصحيح، ج ۵، ص ۳۶. در روایتی آمده است: «ما لی و للکلاب؟» (احمد بن محمد بن سلمه، شرح معانی الآثار، ج ۱، ص ۲۳)؛ جصاص، الفصول فی الاصول، ج ۲، ص ۲۸۲؛ (ما بالهم و بال الکلاب).

۲. قرینه مقامی نشان می‌دهد، پیامبر ﷺ با این جمله، خواهان توقف کشتار سگ‌ها شده است.

۳. احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۸۵؛ ابو داود سجستانی، السنن، ج ۱، ص ۶۵۰.

این مسئله به عنوان تناقض در احادیث از سوی اهل کلام مطرح شده است و ابن قتیبه (د. ۲۷۶ ه.ق) آن را در *تأویل مختلف الاحادیث* آورده است و از جانب اهل حدیث تلاش می‌کند، پاسخی برای آن بیابد. او در این باره می‌نویسد:

چون مدینه، محل فرود فرشتگان بود و فرشته هم در خانه‌ای که سگ و یا تصویر باشد وارد نمی‌شود از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن که ملائکه هم‌چنان به مدینه بیایند، دستور قتل سگ‌های این شهر را داد و این دستور زمان و مکان خاص داشته است. بنابراین، تناقضی در بین نیست.^۱

در همین راستا در فقه اهل سنت مطرح شده است که اگر سگ سیاه، چیزی شکار نمود، آن را نخورید و دلیل این منع را، دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به قتل سگ سیاه می‌دانند.^۲ در حالی که قرآن درباره کلب معلّم اطلاق دارد و رنگ سگ را در معلّم بودن یا نبودن شرط ننموده است.^۳ در روایتی در این باره بیان می‌شود:

شخصی از ابوهریره پرسید: سگ سیاه با سگ سرخ چه تفاوتی دارد؟ که یکی را باید کشت و دیگری را زنده نگاه داشت؟ او در پاسخ گفت: این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، فرمود: خداوند گروهی از جنیان را مسخ نمود و آنان همین سگ‌های سیاه هستند.^۴

در روایتی دیگر، همین پرسش از جناب ابی‌ذر (د. ۳۲ ه.ق) می‌شود و او پاسخ می‌دهد:

۱. ابن قتیبه، *تأویل مختلف الحدیث*، ص ۱۲۸؛ با توجه به پاسخ ابن قتیبه، می‌توان گفت که وی صدور فرمان کشتار را پذیرفته است.

۲. ابن حزم، *المحلی*، ج ۷، ص ۴۷۷؛ ابن قدامه، *الشرح الکبیر*، ج ۱۱، ص ۲۴.

۳. طباطبایی به این اطلاق توجه می‌دهد (طباطبایی، *المیزان*، ج ۵، ص ۲۱۱)؛ شیخ طوسی (د. ۴۶۰ ه.ق)، علامه حلی (د. ۷۲۶ ه.ق)، شهید اول (د. ۷۸۶ ه.ق) و صاحب جواهر (د. ۱۲۶۶ ه.ق) اطلاق در آیه را هم‌چنان معتبر می‌دانند و میان سگ شکاری سیاه و غیر سیاه تفاوت قایل نمی‌شوند (شیخ طوسی، *الخلاف*، ج ۶، ص ۶؛ حلی، *تحریر الاحکام*، ج ۴، ص ۶۱۰؛ شهید اول، *الدروس*، ج ۲، ص ۳۹۶؛ نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۲۲، ص ۱۳۷؛ ج ۳۶، ص ۱۱).

۴. عبد بن حمید بن نصر، *منتخب مسند عبد بن حمید بن نصر*، ص ۴۲۶.

همین را از پیامبر ﷺ پرسیدم و آن حضرت فرمود: سگ سیاه

شیطان است.^۱

در منبعی تاریخی آمده است:

شخصی بر اساس تعالیم دینی پرسید: اگر ملائکه در خانه‌ای که سگ باشد وارد نمی‌شوند، پس هر که نزد او سگی باشد، نمی‌میرد و گناه و نیکی او نوشته نمی‌شود؛ چرا که این امور به دست فرشتگان انجام می‌پذیرد. علما با زندیق خواندن این پرسش‌گر، گفته‌اند که سخن پیامبر ﷺ فقط درباره ملائکه نازل کننده رحمت و برکت است، اما ملک الموت و ملائکه کاتبان عمل و حفظه شامل این سخن نیستند.^۲

در گزارشی که خوله بنت عاصم(د.؟) ناقل آن است، وی مدعی می‌شود که پس از بیرون انداختن لاشه توله سگ از منزل، جبرئیل ع وارد شد و سوره ضحی را از ابتدا تا انتها نازل کرد. در حالی که این سوره مکی بوده است و حادثه مورد بحث در مدینه اتفاق افتاده است. از همین رو، برخی مفسران قرآن و شارحان حدیث، این داستان و شأن نزول آن را غریب، شاذ و مردود می‌دانند.^۳

امیرالمؤمنین حضرت علی ع در گزارشی در این باره می‌فرماید:

در تشییع جنازه‌ای بودیم، رسول خدا ص فرمود: کیست که برود و همه قبرها را با سطح زمین برابر سازد و هر تصویری را محو نماید و هر بتی را بشکند؟ مردی برای این کار داوطلب شد، اما از ترس اهالی مدینه، قادر به این کار نشد. من رفتم و برگشتم و به رسول خدا ص عرض کردم یا رسول الله! هیچ قبر، تصویر و بتی را در مدینه رها نکردم مگر آن که با خاک برابر نموده، محو

۱. احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۱۵۱.

۲. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۳۵۹؛ حلبی، سیرة الحلیة، ج ۱، ص ۴۰۳/۵۰۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۵۴.

۳. ابن حجر، فتح الباری، ج ۸، ص ۵۴۵؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۵، ص ۳۴۸.

ساختم و شکستم.^۱

این روایت در منابع اهل سنت آمده است و آن را صحیح می‌دانند.^۲ با این حال، ماجرای یادشده به گونه دیگری هم نقل شده است و جمله *ولا کلبا الا قتلته* در آن افزوده شده است. می‌توان احتمال داد که برخی با توجه به روش حدیث نخست، کشتن سگ را به آن اضافه کرده باشند.^۳

دقت در برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد، این ماجرا رنگ و بوی تقابلات شیعی و سنی به خود گرفته است. از یک سو، روایات اهل سنت نشان دهنده وجود سگ در خانه جناب عایشه است و از سوی دیگر، گویا عده‌ای از این امر ناخرسند بوده‌اند، از این رو گفته‌اند با آن که سگ در خانه ایشان بود، اما متعلق به حسنین علیهم‌السلام بوده است.^۴

۱. احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۱۳۸؛ طیالسی، المسند، ص ۱۶، «فقلت: یا رسول الله لم أَدع بالمدينة قبرا إلا سویته ولا صورة إلا لطحتها ولا وثنا إلا کسرتة».

۲. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۷۳.

۳. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۵؛ از آن جا که این حدیث درباره تزویق بیوت و التصاویر آمده است، وجود عبارت *ولا کلبا الا قتلته* ناهم‌گون می‌نماید. افزون بر این، روایت کتاب المحاسن ضعف سندی دارد. فردی به نام نوفلی در سلسله راویان قرار دارد که با توجه به نقل وی از اسمعیل بن (ابی زیاد) مسلم سکونی، باید حسین بن یزید باشد و این فرد تضعیف شده است و خود سکونی هم از اهل سنت به شمار می‌آید و با ملاک امامیه، روایت مورد بحث، سند صحیح ندارد.

۴. سه نکته در این مسئله قابل توجه است: نخست آن که در هیچ یک از روایات، کسانی که به طور مستقیم مورد خطاب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار گرفته‌اند، اقرار ننموده‌اند که سگ به حسن و یا حسین علیهم‌السلام تعلق دارد. سبک کلام نشان می‌دهد که این توضیح و اضافات راویان بعدی بوده است. نکته دوم آن که جناب عایشه در صورت تعلق سگ به حسن و یا حسین علیهم‌السلام می‌توانست این نکته را گوش زد نماید و خود را تبرئه کند، اما اظهار بی اطلاعی کرد. نکته سوم آن که سند روایاتی که سگ را بازیچه حسن علیه‌السلام معرفی کرده‌اند از نظر مبانی و معیارهای حدیثی فریقین ضعیف شمرده می‌شود. عبدالله بن یحیی کندی (د. ۱۳۰ه.ق) از خوارج و عبدالله بن نجی حضرمی (د. ۹۰) مجهول و یونس بن ابی اسحاق (د. ۱۵۸ه.ق) به عثمانی بودن شهرت داشت و دشمنی او با اهل بیت معروف بوده است. در مجموع هیچ یک از روایات محل بحث، سند معتبر ندارد.

المحاسن یکی از منابع کهن شیعه، روایتی مطابق با گزارش اهل سنت آورده است.^۱ بررسی سند این روایت نشان می‌دهد عمرو بن شمر (د. ۱۵۷ ه.ق) که به دسیسه در احادیث جابر بن یزید جعفی (د. ۱۲۸ ه.ق) متهم است، یکی از ناقلان اولیه این گزارش در منابع شیعه بوده است.^۲

این روایت در هیچ کتاب و منبعی شیعی دیگری و از هیچ طریق دیگری، نقل نشده است. این گزارش دو مطلب قابل توجه دارد. نخست این که توله سگ خانه پیامبر ﷺ کشته نشد و بیرون انداخته شد. دوم این که سگ مال حسین بن علی علیه السلام بوده است که روز گذشته با آن بازی می‌کرده است.

منابع معاصر شیعی با توجه به نجاست سگ از پذیرش خبر به شکلی که گذشت، امتناع کرده‌اند و برای فرار از قباحت ماجرا به تأویل در معنای جرو روی آورده‌اند و بر این باور هستند که منظور از جرو در روایت، توله گرگ بوده است.^۳

انجام دستور پیامبر ﷺ برای هر مسلمان افتخار است، اما کسانی که از بیان فضایل امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام امتناع می‌کردند، چگونه در این ماجرا، نام ایشان و ابی رافع (د. حدود ۳۵-۴۱ ه.ق) را به عنوان مأمور کشتار سگ‌ها می‌آورند؟ گویا روایان قصد داشتند که با طرح چنین سخنی، شأن آن حضرت علیه السلام را کم کنند و ایشان را در قامت مأمور کشتار سگ بشناسانند.^۴

۱. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۵.
 ۲. قمی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۵۰۹.
 ۳. نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۱۴۹. این در حالی است که بیشتر روایات جرو کلب دارد و این توجیه نامناسبی است.
 ۴. این حادثه، انسان را به یاد جمله معروف امام علی علیه السلام می‌اندازد که فرمود: «قد أعدوا لکل حق باطلا» (نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۶۷)، دشمنان امام علی علیه السلام در برابر هر فضیلت او، منقصتی ساختند و یا آن فضیلت را برای دیگری هم جعل نمودند تا امام علی علیه السلام در داشتن آن فضیلت، تنها نباشد. چنان که در

به نظر می‌رسد، تقابلات عرب و عجم هم در این ماجرا تأثیر گذاشته است؛ زیرا در روایاتی که لغو دستور کشتار سگ‌ها در آنها آمده است، کشتن سگ^۱ سیاه تک رنگ چهار چشم^۲ واجب شمرده می‌شود. این سگ به طور دقیق، همان سگی است که مجوس در مراسم سگ‌دید^۳ از آن استفاده می‌کردند.^۴

با توجه به این نکته و به دلیل آن که سگ در باورهای اوستایی جایگاه ویژه‌ای داشته است و گاه، شأن آن از آدمی زاد برتر انگاشته می‌شد^۵، می‌توان در نظر گرفت که با درآمیختگی اعراب مسلمان با جامعه ایرانی، اعراب برای طرد سگ از زندگی اجتماعی و

مطالب پیشین اشاره شد، فضیلت امام علی علیه السلام در این بود که دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را بی ترس اجرا نمود و همه قبور را تسویه کرد و همه تصاویر را محو نمود و همه بت‌ها را شکست، اما گویا دشمنان امام علی علیه السلام از این فضیلت رنجیده خاطر شدند و با افزودن مأموریت کشتن همه سگ‌های مدینه، آن رشادت را با این مسئله مشکوک و جعلی هم رتبه ساختند.

۱. برخی روایات واژه بهیم (تک رنگ) را به تنهایی آورده‌اند که معنای آن، سگ تک رنگ است که در این صورت، قابل تطبیق بر سگ زرد هم خواهد بود (هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۴۳).

۲. سگی که دو لکه در بالای چشم دارد.

۳. در اشاره به سگ‌دید، ر.ک: بازیار، البیضة، ص ۱۴۳؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۲۸؛ وندیداد، فصل هشتم، ص ۱۶۱ (در وندیداد برای تطهیر مسیری که جنازه در آن عبور داده می‌شد، سگ زرد و یا سگ سفید گوش زرد پیشنهاد شده است، اما چهارچشم بودن، خصوصیت اصلی در نظر گرفته شده است).

۴. سگ دید مراسمی بود که پیش از انتقال جسد مردگان به دخمه، سگی را از کنار جنازه عبور می‌دادند تا پلیدی از جسد دور شود. این کار سه بار تا پیش از رها کردن جسد در برج خاموشان تکرار می‌شد (ریچاردز، سفرنامه، ص ۲۲۰)؛ در وندیداد گفته می‌شود که برای دور ساختن دروج نسو از مسیری که جنازه‌ای از آن عبور داده شده است، باید سگ زرد چهار چشم و یا سگ سفید گوش زرد از آن مسیر بگذرد، اما در مورد دیده شدن جنازه از سوی سگ، زرد بودن و یا چهارچشم بودن لحاظ نشده است.

۵. ر.ک: وندیداد، فرگرد سیزدهم. برای اذیت و آزار سگ و یا خوراندن غذای نامناسب به سگ، کیفر تازیانه در نظر گرفته شده است. هم چنین برای درک قداست سگ در زندگی ایرانیان زرتشتی، ر.ک: عباسی، مهناز، «بررسی تغییرات الگوی فرهنگی پاکی و ناپاکی در ایران»، جستارهای تاریخی، سال ۷، ش ۱،

فروکاستن از جایگاه آن، روایات مذمت سگ را تا آن جا پیش بردند که به پیامبر ﷺ نسبت کشتار سگان را دادند و آن گاه که لغو آن را ساختند، سگ تیره و یا سیاه چهار چشم را مشمول دستور قتل باقی گذاشتند.

با توجه به آنچه تا کنون بیان شد و ناهم‌گونی‌های بسیاری که در نقل این حادثه وجود دارد و این که همواره برای کسانی که با این ماجرا روبه‌رو می‌شوند، این پرسش مطرح است که چگونه پیامبری که برای جن و انس رحمت بوده است، تنها به دلیل نیامدن فرشته، دستور قتل همه سگ‌های یک شهر را داده است؟ بنابر این باید پاسخی مناسب برای این امر یافت.

هم‌چنین، بیشتر اهل حدیث به سبب پای‌بندی و تعبدی که نسبت به احادیث داشتند، برای حل شبهات به تأویل می‌پرداختند. آنان در این مورد، اصل فرمان کشتار سگ‌ها را مُسَلِّم می‌پنداشتند و سپس به دنبال نسخ و استثنا و امور دیگر می‌رفتند.

فرضیه مقاله حاضر بر این نکته استوار است که احتمال دارد با توجه به شیوع پدیده هم‌زیستی با سگ و یا حمله سگ‌های هار، خلفا و حاکمان اسلامی تصمیم به قتل سگ گرفته بودند و برای اجرای این کار که با واکنش‌های منفی روبه‌رو بود، تصمیم خود را با مستندی شرعی پشتیبانی کردند و در راه رسیدن به این هدف، دستور قتل سگ‌ها را به ماجرای امتناع جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام از آمدن به خانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افزودند.

۷. اوضاع اجتماعی و نقش حکومت‌ها

جست‌وجو و مطالعه در تاریخ اجتماعی و سیاسی جوامع و دولت‌های اسلامی در سده‌های نخستین هجری نشان می‌دهد، دستور قتل سگ‌ها، گاهی از سوی دولت‌ها صادر شده است. حکومت‌ها گاه برای جلوگیری از گسترش بیماری هاری و گاه برای منع سگ‌بازی و جنگ سگان، دستور به کشتار سگ‌ها می‌دادند.

در حکومت ابی بکر (د. ۱۳ ه.ق.)^۱، عمر (د. ۲۳ ه.ق.)^۲ و عثمان (د. ۳۵ ه.ق.)^۳ دستور به قتل سگ‌ها داده شده است. حجاج بن یوسف ثقفی (د. ۹۵ ه.ق.) دستور به قتل سگ‌ها داده بود.^۴ در گزارشی در این باره آمده است:

مردم کوفه از بیماری و مرگ و میر چهارپایان نزد والی خویش، حسن بن سهل (د. ۲۳۶ ه.ق.) شکایت بردند. حسن بن سهل گفت: سگ‌ها را بکشید. مردم تعجب نمودند و گفتند: ما می‌گوییم، چهارپایان می‌میرند. او می‌گوید که سگ‌ها را بکشید. از این رو، توصیه والی را جدی نگرفتند. پس از مدتی، سگ‌ها با خوردن لاشه چهارپایان دچار هاری شدند و به مردم حمله کردند. بعد از این ماجرا، آنان به حکمت و راز دستور والی پی بردند.^۵

هم‌چنین، قاضی ابن سحنون (د. ۲۴۹ ه.ق.) فتوا به قتل سگ‌های قیروان داد و پلیس شهر سگ‌ها را تعقیب می‌کرد به قتل می‌رساند.^۶

۱. ابن عبدالبر، التمهید، ج ۱۴، ص ۲۲۶.
۲. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۴، ص ۲۶۱.
۳. احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۷۲؛ بخاری، الادب المفرد، ص ۲۷۶؛ طبری، جامع البیان، ج ۸، ص ۱۹۶.
۴. أبو بکر أحمد بن مروان الدینوری المالکی، المجالسة و جواهر العلم، ج ۵، ص ۲۷۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۲، ص ۱۸۴ (بیشترین روایات درباره کشتار سگ‌های مدینه از محمد بن مسلم بن شهاب زهری (د. ۱۲۴ ه.ق.) و شاگردانش است که از وی نقل نموده‌اند. پرشماری این روایات در دوره حکومت حجاج بن یوسف ثقفی و نیز دستور وی به کشتن سگ‌ها، این گمان را تقویت می‌کند که هماهنگی زهری و دیگر راویان با سیاست‌های عبدالملک بن مروان و کارگزارانش، مانند حجاج در تکثیر روایات مؤثر بوده است).
۵. زمخشری، ربیع الابرار، ج ۵، ص ۳۹۶.
۶. الیحصیبي الأندلسی، ترتیب المدارك و تقریب المسالك، ج ۱، ص ۳۴۸؛ احمد بن میلاد، الطب العربی التونسی، ص ۱۶۰.

سگ بازی و جنگِ سگان و روی آوردن به نگاه‌داری سگ‌های زینتی، یکی از مسائل مهمی بود که جامعه اسلامی در سده نخست هجری با آن روبه‌رو شده بود. این مسئله، تبدیل به یک چالش مهم برای کسانی شد که احساس می‌کردند ورود سگ به زندگی خانوادگی و اجتماعی از یک سو، بی‌حرمتی به شریعت است که سگ را نجس می‌شمرد و از سوی دیگر، موجب رواج لهو و لعب و قمار^۱ در جنگ سگان خواهد شد. افزون بر این، کبوتر بازی و شکار کبوتر با کمان گروهه (جلاهق)^۲ و پرورش خروس جنگی در کنار سگ بازی و جنگ سگان، موجب نگرانی‌های اجتماعی شده بود.

یزید بن معاویه (د. ۶۴ ه.ق) به عنوان کسی که بر مسند خلافت تکیه زده بود، متهم به سگ‌بازی و گردآوری انواع حیوانات شکاری بود.^۳ هم‌چنین، پسر شریح قاضی (د. حدود ۷۲-۹۹ ه.ق) با وجود شهرت فوق العاده پدرش، به سگ‌بازی و جنگ سگان می‌پرداخت، تا آن که پدرش به مؤدب و معلم او دستور دهد، وی را تنبیه کند.^۴ متوکل عباسی (د. ۲۴۷ ه.ق) از ارمنستان سگی را به دست آورد که با شیر جنگ می‌کرد. او این سگ را با یک شیر در انداخت تا آن که هر دو حیوان بر اثر جراحات هلاک شدند.^۵ هم‌چنین، بختیار دیلمی (د. ۳۶۷ ه.ق) پسر رکن الدوله (د. ۳۶۶ ه.ق) به سگ‌بازی و جنگ سگان اشتغال داشت.^۶

۱. جاحظ، الحیوان، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۹، ص: ۲۲۸؛ محمدی ملابری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران

انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۶، ص ۳۸۴.

۳. ابن طقطقی، الفخری فی الآداب السلطانیة، ص ۵۵.

۴. ابن حیان، اخبار القضاة، ج ۲، ص ۲۰۷.

۵. زمخشری، ربیع الابرار، ج ۵، ص ۳۸۳.

۶. ابن مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۶، ص ۳۴۹.

چنان که گفته شد، سگ‌بازی، جنگ سگان، خروس‌بازی، جنگ خروس‌ها و کبوتربازی به مسئله مهمی در زندگی اجتماعی مسلمانان تبدیل شده بود تا آن‌جا که جاحظ (د. ۲۵۵ ه.ق) مطالب مفصلی را در باره رقابت خروس‌بازان و سگ‌بازان در کتاب *الحيوان* آورده است.^۱

نگاهداری سگ‌های زینتی که به سگ‌های چینی معروف بودند، چنان رواج یافته بود که حتی محدثان از این مسئله برکنار نبودند. گزارشی وجود دارد که یکی از محدثان معروف درباره یک راوی می‌گوید:

او سگ چینی در خانه نگاه‌داری می‌کند و به همین دلیل، من از او حدیث

نقل نمی‌کنم.^۲

نوشته‌های جاحظ نشان می‌دهد، چالش‌های فکری و علمی میان اهل حدیث و متکلمان و یا اشعریان و معتزلی‌ها به این حوزه هم کشیده شده بود. اشعری‌ها با توجه به روایات ناپسند بودن نگاه‌داری سگ و یا وجوب کشتن سگ‌ها، با کسانی که نگاه‌داری سگ را جایز می‌دانستند، مخالف بودند و آنان را به نادیده‌گرفتن شریعت متهم می‌کردند. از سوی دیگر، حاکمان جامعه بنا بر مصالحی، تصمیم به از بین بردن سگ‌ها و جلوگیری از نگاه‌داری آنان گرفته بودند^۳ اما به دلیل آن که سگ‌بازی و بازی‌هایی مانند آن در لایه‌های مختلف جامعه از طبقه اشراف، بزرگان و محدثان تا طبقات فرودست رواج داشت، اجرایی نمودن دستور قتل سگ‌ها و یا ذبح کبوتران، نیازمند پشتیبانی قوی بود^۴ و

۱. جاحظ، کتاب *الحيوان*، ج ۱، ص ۱۲۲-۳۶۵.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۱۱۶.

۳. جاحظ، *الحيوان*، ج ۱، ص ۱۵۹، ۱۵۶؛ الماردینی، *الجواهر النقی*، ج ۶، ص ۷.

۴. مقابله با سبک زندگی رایج، همیشه دشوار بوده است. در سالیان اخیر، هم‌زیستی با سگ در میان برخی ایرانیان رواج یافته است. چند سال قبل در مصاحبه یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی آمده بود که طرحی جهت ممنوعیت سگ‌گردانی در مکان‌های عمومی تهیه و در مسیر فرآیند تصویب قرار

بهترین پشتوانه، سیره رسول خدا ﷺ بود که با آن می‌توانستند، همگان را مجاب کنند.^۱

دارد. این طرح در ۱۳۸۹/۱۲/۱ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول گردید و در ۱۳۹۰/۱/۱۶ نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس ضمیمه آن گردید. بر اساس این طرح سگ‌گردانی جرم تلقی شد و محکومیت به جزای نقدی برای آن در نظر گرفته شد. محتوای طرح و نظر مرکز پژوهش‌های مجلس با نشانی پایین در دسترس است:

http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/786152

رسانه ای شدن این طرح، واکنش‌هایی در ایران و نیز در رسانه‌های معاند با اسلام به همراه داشت. اظهار عقاید مختلفی از سوی کارشناسان و متخصصان دام‌پزشکی و مسائل فرهنگی مطرح شد و نشان داد، از بین بردن یک پدیده و رفتار نهادینه، نیازمند هزینه‌های فراوان مادی و معنوی است.

<http://hakimemehr.ir/fa/print/8838>

۱. جعل حدیث از زمان حیات رسول خدا ﷺ آغاز شد و به آن حضرت ﷺ دروغ می‌بستند. گفته می‌شود که یکی از رهبران خوارج در پایان عمرش گفت: دقت کنید حدیث را از چه کسی دریافت می‌کنید. ما هر چه را می‌پسندیدیم آن را در قالب حدیث به مردم عرضه می‌کردیم (ابن حبان، کتاب المجروحین، ج ۱، ص ۸۲؛ ابن عدی، الکامل، ج ۱، ص ۱۵۲؛ خطیب بغدادی، الکفایة فی علم الدرایة، ص ۱۵۱). از آن جا که خلفا برای رسیدن به قدرت حاضر به دروغ بستن بر پیامبر ﷺ شدند و برای مثال گفتند که پیامبر ﷺ فرمود: «نحن معاشر الانبیاء لا نورث» و یا سخنانی مانند «لا تجتمع النبوة والخلافة فی اهل بیت» را ساختند و به آن حضرت ﷺ نسبت دادند، دیگران نیز به این شیوه اقتدا کردند تا به مقاصد خویش برسند. استفاده از نام پیامبر ﷺ در جعل احادیث برای جاعلان اهمیت داشت. چنان که گفته می‌شود معاویه چهارصد هزار درهم به سمرة بن جندب (د. ۵۹ه.ق) داد تا او حدیثی به پیامبر ﷺ نسبت دهد که فرموده باشد آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، در شأن امام علی علیه السلام و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي» در شأن ابن ملجم مرادی (د. ۴۱ه.ق) قاتل امام علی علیه السلام نازل شده است (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳؛ سید بن طاووس، بناء مقاله الفاطمیة، ص ۲۷۰). هم‌چنین، به مختار بن ابی عبیده ثقفی (د. ۶۷ه.ق) نسبت می‌دهند که او از فردی درخواست نمود حدیثی از پیامبر ﷺ در تأیید وی جعل نماید. آن فرد گفت: از پیامبر ﷺ نمی‌توانم ولی از اصحاب هرکه را بخواهی از او برای تو حدیث جعل خواهم نمود و دست‌مزد کمتری خواهم ستاند. مختار گفت: از پیامبر ﷺ تأثیرگذارتر است. آن مرد گفت: عذابش هم سخت‌تر است (أبو حیان توحیدی، البصائر والذخائر، ج ۴، ص ۳۶؛ خطیب بغدادی، الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ابن جوزی، الموضوعات، ج ۱، ص ۳۹). درستی یا نادرستی این گزارش تأثیری در این نکته ندارد که در صدر اسلام، اندیشه جعل حدیث از پیامبر ﷺ به جهت تأثیرگذاری آن رایج بوده است (ر.ک: شهید ثانی، الرعاية فی علم الدرایة، ص ۱۵۲، ۱۶۵؛ فضلی، اصول الحدیث، ص ۱۳۲، ۱۶۰).

۸. جمع بندی نهایی

با نگاه به گزارش‌های متعدد در این موضوع، می‌توان گونه‌ای از گزارش‌ها را پذیرفت که بر اساس آن، سگی بی آن که کسی از اهل بیت و همسران پیامبر ﷺ متوجه شده باشد به یکی از خانه‌های آن حضرت ﷺ وارد شده بود. در این هنگام، در حالی که پیامبر ﷺ در آن خانه بود، فرشته وحی، جبرئیل علیه السلام قصد شرفیابی به محضر آن حضرت ﷺ را داشت. فرشته وحی از وجود سگ در آن خانه خبردار شد و به پیامبر ﷺ اطلاع داد.

آن حضرت ﷺ دستور داد، سگ را پیدا کنند و از خانه بیرون نمایند، اما این رخداد در سال‌های بعد، دست‌مایه راویان شد تا قصد حاکمان برای کشتار سگ‌ها را موجه سازند. بنابراین، پیرایه‌های مختلفی به آن افزودند که مهم‌ترین آن، تبدیل و تغییر دستور پیامبر ﷺ در بیرون‌انداختن سگ، به دستور کشتار سگ‌های مدینه بود.^۱

پذیرش دستور پیامبر ﷺ درباره کشتار تمامی سگ‌های مدینه با دیگر سخنان آن حضرت ﷺ سازگاری ندارد. ایشان می‌فرماید:

هر که جگر تشنه‌ای را سیراب کند، خواه حیوان باشد و غیر آن، خداوند در روز قیامت او را پناه می‌دهد.

هم‌چنین در روایت دیگری، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

هیچ صاحب روح و حیات را هدف (تمرینی) قرار ندهید.

۱. پیرایه بستن بر احادیث در تاریخ صدر اسلام سابقه دارد. نمونه آن که حجاج بن یوسف ثقفی، حاکمان را برابر روایت نبوی ﷺ، سایه خدا بر روی زمین می‌خواند، ولی حسن بصری (د. ۱۱۰ ه.ق) به او گفت: پیامبر ﷺ فرمود: اگر عادل باشند، سایه خداوند هستند. حجاج در پاسخ به حسن بصری گفت: تو این قید را از پیش خود به حدیث نبوی ﷺ افزوده‌ای (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۱۷۶). بنابراین، اندیشه پیرایه بستن بر حدیث وجود داشته است. ابن جوزی (د. ۵۹۷ ه.ق) معتقد بود که چون تحریف و زیادت در مورد قرآن امکان‌پذیر نبود، عده‌ای به احادیث نبوی ﷺ روی آوردند و کلماتی افزودند و یا تغییر دادند و یا جعل کردند (ابن جوزی، الموضوعات، ج ۱، ص ۳۱).

نگاه به قرآن کریم هم نشان می‌دهد، حیوانات مانند انسان از هوش، عواطف و احساسات برخوردارند. آنها زندگی را دوست دارند و برای بقای خود تلاش می‌کنند و این امر در قرآن محترم و قابل توجه شمرده می‌شود. حتی در قرآن کریم از حشر و رستاخیز حیوانات وحشی سخن به میان آمده است. انواع جنبدگان زمین و پرنندگان آسمان، گروه‌هایی مانند انسان‌ها شمرده می‌شوند که همگی به سوی پروردگار گرد خواهند آمد. در یکی از گزارش‌های مورد بحث در مقاله گفته شده است که پیامبر ﷺ به استناد مفهوم اخیر قرآنی از تداوم کشتار سگ‌ها نهی می‌کرد.

در این پژوهش، اصل امتناع جبرئیل علیه السلام از ورود به خانه پیامبر ﷺ پذیرفته شده است، اما دستور قتل سگ‌ها، جعلی و دروغ تلقی شده است. حاکمان، محدثان و متشرعان برای تغییر شرایط اجتماعی و رویارویی با پدیده‌های ناپسند، گاه حدیثی می‌ساختند و پراکنده می‌نمودند. جلوگیری از سگ‌بازی، جنگ سگان، خروس‌بازی و جنگ خروس‌ها، کبوتربازی و شکار کبوترها با کمان گروهه (جلاهق) و قمار همراه با این سرگرمی‌ها، مهم‌ترین انگیزه‌های جاعلان برای جعل حدیث در نکوهش این رفتارها بودند.

رویارویی با شیوع هاری و یا تقابل با سنت‌های مجوس در بزرگداشت سگ را می‌توان از دیگر عوامل دستور کشتار سگ‌ها دانست. اجرای دستور کشتار سگ‌ها، نیاز به آماده‌سازی افکار عمومی داشت. این آماده‌سازی را با جعل مطالب دروغ و نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ به انجام می‌رسانیدند.

منابع

۱. قرآن كريم، ترجمه ناصر مكارم شيرازي، مشهد: انتشارات شركت تعاوني كارآفرينان فرهنگ وهنر، ۱۳۸۶.
۲. ابن ابى جمهور، محمد بن على، عوالى اللئالى، تحقيق مجتبى عراقى، قم: ناشر محقق، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن اثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث، تحقيق طاهر احمد الزاوى و محمود محمد الطناحى، قم: مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۶۳.
۴. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، الموضوعات، تحقيق عبدالرحمن محمد عثمان، مدينه: المكتبة السلفية، ۱۳۸۸ق.
۵. ابن حبان، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تصحيح شعيب الارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن حجر عسقلانى، فتح البارى، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
۷. ابن حزم، على بن احمد، المُحَلَّى، بى جا: دارالفكر، بى تا.
۸. ابن حيان، محمد بن خلف، اخبار القضاة، تحقيق مصطفى عبدالعزيز المراغى، مصر: مكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۶۶ق.
۹. ابن خزيمة، محمد بن اسحاق، الصحيح، تحقيق محمد مصطفى الاعظمى، بى جا: المكتب الاسلامى، ۱۴۱۲ق.
۱۰. ابن سعد، طبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، بى تا.
۱۱. ابن طقطقا، محمد بن على بن طباطبا، الفخرى فى الآداب السلطانية، قم: منشورات الرضى، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، التمهيد، تحقيق مصطفى بن احمد العلوى و محمد عبدالكبير البكرى، مغرب: وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۳۸۷ق.
۱۳. ابن عدى جرجانى، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ابن عساکر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق: تحقيق على شيرى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ق.
۱۵. ابن قتيبة دينورى، عبدالله بن مسلم، تأويل مختلف الحديث، تحقيق اسماعيل الاسعدى، بيروت: دارالكتب العلمية، بى تا.

۱۶. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق ثروت عكاشة، چاپ دوم، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲م.
۱۷. ابن قدامة، عبدالرحمن، الشرح الكبير، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۱۸. ابن کثیر دمشقی، البداية والنهاية، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۹. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۲۰. ابن مسکویه رازی، احمد بن علی، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۹.
۲۱. ابوحیان توحیدی، علی بن محمد، البصائر والذخائر، تحقیق وداد القاضي، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۹ق.
۲۲. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، السنن، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۳. ابونعیم إصفهانی، أحمد بن عبدالله، بیان أخبار إصبهان، بریل: مطبعة بریل، ۱۹۳۴م.
۲۴. أحمد بن حنبل، مسند، بیروت: دارصادر، بی تا.
۲۵. احمد بن محمد بن سلمة، ازدي، شرح معانی الآثار، تحقیق محمد زهری النجار، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
۲۶. احمد بن میلاد، الطب العربی التونسي فی عشرة قرون، چاپ دوم، بیروت: دارالغرب، ۱۹۹۹م.
۲۷. اسحاق بن راهویه، المسند، تحقیق عبدالغفور عبدالحق الیلوشی، مدینه: مکتبة الایمان، ۱۴۱۲ق.
۲۸. امام خمینی، المکاسب المحرمة، تهران: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۲۹. بازیار، الحسن بن الحسین، البیزة، تحقیق محمد کردعلی، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۶ق.
۳۰. بخاری، محمد بن إسماعیل، الأدب المفرد، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۰۶ق.
۳۱. _____، الصحیح، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۳۲. برقی، أحمد بن محمد، المحاسن، تحقیق سید جلال‌الدین محدث أرموی، تهران: مکتبة المصطفوی، ۱۳۷۰ق.

۳۳. بیهقی، أحمد بن حسین، السنن الكبرى، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳۴. ترمذی، محمد بن عیسی، السنن، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۳۵. ثعلبی، تفسیر ثعلبی، تحقیق ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۳۶. جاحظ، عمرو بن بحر، کتاب الحيوان، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۶ق.
۳۷. جصاص، احمد بن علی رازی، الفصول فی الاصول، تحقیق عجیل جاسم النشمی، کویت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۴۰۵ق.
۳۸. جوادی، محسن؛ مسعودی، اصغر، «حقوق حیوانات از منظر اسلام»، پژوهش های اخلاقی، سال چهارم، شماره دوم.
۳۹. حسن بن زین الدین، منتقى الجمال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۴۰. حلبی، السیرة الحلبیة، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۰ق.
۴۱. حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۲. _____، تحرير الاحكام، تحقیق ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
۴۳. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
۴۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی، الكفاية فی علم الرواية، تحقیق أحمد عمر هاشم، بیروت: دارالكتاب العربی، ۱۴۰۵ق.
۴۵. دارمستتر، جیمس، ونیداد، ترجمه موسی جوان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۴۶. دارمی، عبدالله بن بهرام، السنن، دمشق: مطبعة الحديثة، ۱۳۴۹ق.
۴۷. دینوری مالکی، أبو بكر أحمد بن مروان، المجالسة وجواهر العلم، تحقیق أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۹ق.
۴۸. رازی، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.

۴۹. ریچاردز، فردریک چارلز، سفرنامه، ترجمه مهین‌دخت بزرگمهر، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۹.
۵۰. زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الأبرار، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۵۱. سید رضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغة، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۲ق.
۵۲. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۹۳م.
۵۳. شافعی، محمد بن ادريس، المسند، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۵۴. شهرزوری، عثمان بن عبدالرحمن، مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
۵۵. شهید اول، الدروس، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ق.
۵۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، البداية فی علم الدراية، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۵۷. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، تحقیق حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۵۸. ——— خصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۵۹. شیخ طوسی، التبیان، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۶۰. ——— الفهرست، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۶۱. ——— تهذیب الاحکام، تحقیق حسن موسوی الخرسان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵.
۶۲. ——— الخلاف، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۶۳. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا: المجلس العلمی، بی تا.
۶۴. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.
۶۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۶۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

۶۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۶۸. _____، جامع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۶۹. طرابلسی، سلیمان بن داود، المسند، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۷۰. عباسی، مهناز، «بررسی تغییرات الگوی فرهنگی پاکی و ناپاکی در ایران»، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، سال هفتم، شماره اول.
۷۱. عبد بن حمید، ابو محمد، المنتخب من مسند عبد بن حمید، تحقیق صبحی بدری سامرائی و محمود محمد خلیل الصعیدی، بیروت: عالم الكتاب، ۱۴۰۸ق.
۷۲. فضلی، عبدالهادی، أصول البحث، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۷۳. _____، أصول الحديث، بیروت: مؤسسة أم القرى، ۱۴۲۱ق.
۷۴. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۷۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم: مؤسسة دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.
۷۷. ماردینی، علاءالدین بن علی، الجوهر النقی، بی جا: دارالفکر، بی تا.
۷۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، تحقیق بکری حیانی و صفوة السفاء، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۷۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۸۰. محمدی ملابری، محمد مهدی، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران: توس، ۱۳۷۹.
۸۱. مسعودی، علی بن حسین، اخبار الزمان، بیروت: دار الاندلس، ۱۳۸۶ق.
۸۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، الصحیح، بیروت: دارالجلیل، بی تا.
۸۳. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق احمد فرید، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.

۸۴. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، پورت سعید: مكتبة الثقافة الدينية، بی‌تا.
۸۵. موصلی، أبویعلی، مسند، تحقیق حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۱۲ق.
۸۶. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۸۷. نسایی، احمد بن شعیب، السنن، بیروت: دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
۸۸. نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، تحقیق حسن نمازی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ق.
۸۹. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۹۰. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب نزول الآیات، قاهره: مؤسسه الحلبي، ۱۳۸۸ق.
۹۱. والی زاده معجزی، محمدرضا، تاریخ لرستان روزگار قاجار، تحقیق حسین والی زاده معجزی، تهران: حروفیه، ۱۳۸۰.
۹۲. وزیری فرد و اولیایی، «ذبح و شکار، از منظر حقوق حیوانات در فقه شیعه»، فصلنامه شیعه شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
۹۳. یحصبی اندلسی، عیاض بن موسی، ترتیب المدارک وتقريب المسالك لمعرفة أعلام مذهب مالک، تحقیق محمد سالم هاشم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
94. <http://hakimemehr.ir/fa/print/4285>.
95. <http://hakimemehr.ir/fa/print/1965>.
96. <http://drlotfi.blogfa.com/post.1487.aspx>.
97. <https://www.balatarin.com/permlink/2011/4/23/2471615>.
98. <https://www.instagram.com/p/7eFIuvJ0V5>.
99. <http://hakimemehr.ir/fa/print/1965>.
100. <http://www.bayanelislam.net/Suspicion.aspx?id=03-03-0008>.
101. <http://www.ebnmaryam.com/vb/t209532.html>.
102. <https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa22952>.
103. <https://www.welayatnet.com/fa/news/128548>.
104. <http://www.bayanelislam.net/Suspicion.aspx?id=03-03-0008>.